

زیجر

دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه اسلامی
سال نهم / شماره دوم / پیاپی ۱۷ / پاییز - زمستان ۱۴۰۲

نظریه «وحدت متعالی ادیان» از

منظر عرفانی، معرفت‌شناختی و دینی^۱

علی نگارستانی^۲

حسن پناهی آزاد^۳

چکیده

سید حسین نصر از برجسته‌ترین چهره‌های جریان سنت‌گرایی است که در بیان و تبیین دیدگاه‌های این جریان نقش بسزایی داشته است. مهم‌ترین دیدگاه سید حسین نصر که بحث‌های بسیاری پیرامون آن شکل گرفته، نظریه وحدت متعالیه ادیان است. او در این دیدگاه با وام گرفتن از مبانی حکمت متعالیه و همچنین عرفان نظری به این نتیجه رسیده که تمامی ادیان دارای حقیقتی واحدند و تفاوت‌های ادیان مربوط به امور بیرونی ادیان است، نه حقیقت ادیان. در این دیدگاه، نصر جامه‌ای جدید به دیدگاه کثرت‌گرایی دینی پوشانده است که افرادی همچون جان هیک در جهان مسیحیت و عبدالکریم سروش در جهان اسلام آن را تبلیغ می‌کنند. این مقاله به صورت توصیفی - انتقادی نگاشته شده و نویسنده بعد از تبیین دیدگاه نصر به اشکالات آن پرداخته است؛ اشکالاتی همچون بی‌توجهی به بحث خاتمیت، نسبی‌انگاری آموزه‌های دینی، و تضاد آن با نصوص قطعی ادیان که سعادت را انحصار یک دین می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: وحدت متعالیه ادیان، سید حسین نصر، کثرت‌گرایی دینی، انحصارگرایی، عرفان نظری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۰

۲. (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف، قم، ایران. anegarestani92@gmail.com

۳. دانشیار گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف، قم، ایران. hasan.panahiazad@yahoo.com

۱. مقدمه

نیاز بشر به دین یکی از مسائلی است که در چند قرن اخیر به صورت گسترده‌ای در مغرب زمین به آن پرداخته‌اند و این بحث باعث به وجود آمدن طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها پیرامون این مسئله شده است. برخی با پذیرش نیاز انسان به دین کوشیده‌اند این کثرت‌ها را تبیین کنند و این امر باعث به وجود آمدن سه نحله فکری در این باب شده است: دیدگاه انحصارگرایی که قائل به حق بودن و نجات‌بخش بودن یک دین است؛ دیدگاه شمول‌گرایی که براساس آن یک دین حق مطلق است، اما پیروان سایر ادیان نیز می‌توانند به سعادت برسند؛ دیدگاه کثرت‌گرایی که معتقد است پیروان تمامی ادیان به سعادت می‌رسند و همه دارای حقیقتی واحدند (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

تبیین‌های مختلفی از دیدگاه کثرت‌گرایی وجود دارد؛ برای مثال جان هیک به نظریه نومن و فونمن کانت برای تمایز حقیقت و کثرت ادیان روی می‌آورد، اما آقای سروش استدلال‌های دیگری از جمله استناد به قرآن را مطرح می‌سازد. با این حال، در اصل بحث اختلافی یافت نمی‌شود و همگی پیرامون یک اصل دیدگاه‌های خود را بیان می‌کنند. در سده اخیر از سوی جریان سنت‌گرا از جمله شخص شوآن و سید حسین نصر دیدگاهی مطرح شد که تبیین جدیدی از مسئله کثرت‌گرایی دینی است و در ابتدا از عنوان آن چنین به نظر می‌رسد که گویی دیدگاه جدیدی است، اما در باطن همان دیدگاه کثرت‌گرایی است. سید حسین نصر با افزودن مفاهیم فلسفی و عرفانی سعی دارد صبغه‌ای عرفانی و فلسفی به دیدگاه خود بدهد و آن را از مقبولیت بیشتری برخوردار کند، اما چنان‌که در ادامه به آن اشاره خواهد شد در این راه توفیقی ندارد. یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر نقد دیدگاه وحدت متعالیه ادیان از جنبه‌های درون‌دینی، معرفت‌شناختی و عرفانی است تا نادرست بودن آن به اثبات برسد.

۲. مفهوم‌شناسی

کثرت‌گرایی دین: کثرت‌گرایی دینی یا پلورالیسم دینی نظریه‌ای است که جان هیک ابداع کرده است. این دیدگاه می‌خواهد با کمک مبانی کلامی، معرفت‌شناختی، اجتماعی به مساوی بودن ادیان و مذاهب در بهره‌مندی از رستگاری و سعادت حکم کند (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۱۹۹). در برابر این دیدگاه دو دیدگاه قرار دارند: انحصارگرایی، که صدق، رستگاری و نجات را در دین خاصی می‌داند، و شمول‌گرایی که مانند انحصارگرایی رستگاری را در دین خاصی می‌داند، اما دامنه نجات را به بسیاری از پیروان ادیان دیگر گسترش می‌دهد.

تئوری مطابقت: دیدگاهی است که بر پایه آن حقیقت معرف امری یقینی و تردیدناپذیر است. براساس این دیدگاه برخلاف دیدگاه ایدئالیسم معرفتی که ذهن در شناخت حقیقت اثرگذار است و واقعیت از دریچه ذهن هر شخص قابل شناخت است، ذهن هیچ تأثیری در حقیقت ندارد و حقایق



نظریه «وحدت متعالی ادیان» از منظر عرفانی، معرفت‌شناختی و دینی

آینه‌های واقع‌نما هستند و ذهن حقیقت خارجی را آنگونه که هست به تصویر می‌کشاند؛ از این رو واقع عبارت است از مطابقت ذهن و عین، نه امری دیگر (حسین‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۶).

۳. سنت‌گرایی

سنت‌گرایی از جریان‌های فکری معنویت‌گرا در قرن بیستم است که برخی از مدافعان آن مسلمان شدند و آرای آنان در برخی کشورهای اسلامی طرفدارانی پیدا کرد. آغازگر این تفکر رنه گونن فرانسوی بود که در ابتدا افرادی را که بدون شناخت حقیقی سنت از آن دم می‌زدند را سنت‌گرا می‌نامید و خود بیشتر به سنت ازلی پایبند بود، اما بعدها گونن و طرفداران او را به همین عنوان نامگذاری کردند (هومن، ۱۳۹۶: ۷۰۶). این جریان دارای اصولی بودند؛ از جمله حکمت خالده، وحدت متعالی ادیان، انتقاد از غرب و دنیای مدرن و شناخت کافی از آن و همچنین اعتقاد به علم و هنر قدسی (خسر و پناه، ۱۳۹۴: ۲۱۷).

۴. اصول و مبانی وحدت متعالی ادیان

وحدت متعالی ادیان در اندیشه دکتر نصر مانند هر نظریه‌ای دارای مبانی و اصولی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بحث تنوع ضروری وحی، بحث مطلق حقیقی و نسبی، بحث وحدت درونی ادیان و بحث وحدت باطنی و کثرت ظاهری ادیان اشاره کرد، اما با یک نگاه دقیق می‌توان دریافت که کل مبانی این دیدگاه بازگشت به نظریه باطن و ظاهر یا ذات حق و تجلیات آن دارد.

نصر در مورد تنوع وحی معتقد است «هر دین و حیانی هم مطلق دین است و هم یک دین خاص. مطلق دین است از آن جهت که حقیقت مطلق و وسایط دستیابی به آن را در درون خویش دارد. یک دین خاص است از آن حیث که متناسب با نیازهای روحی و روانی جماعت بشری خاصی که برای آن مقدر شده و مخاطب آن دین است، بر جنبه خاصی از جوانب حقیقت تأکید می‌ورزد.» (اکبریان، ۱۳۸۷: ۴۲). چنان‌که ملاحظه می‌گردد لبّ کلام دکتر نصر در باب وحی تأکید به جنبه ظاهری و باطنی دین است و اساساً تمام اصول آن بر باب همان نظر باطن و ظاهر است.

اصل اطلاق نسبی و حقیقی از دیگر اصول مهم نظریه وحدت متعالی ادیان است که یکی از مبانی معرفت‌شناسانه این دیدگاه است. بر مبنای این دیدگاه، مطلق در هر دین امری نسبی است و صرفاً در محدوده خود مطلق‌اند و این امر در تضاد با امر مطلق که سایر ادیان به آن باور دارند نیست؛ چراکه آن پنداشت از مطلق در محدوده همان دین است، نه فراتر از آن. وی در کتاب دین و نظام طبیعت می‌نویسد: اگر مقدر بود که ادراک مطلق در دین خاصی میسر نباشد دیگر آن دین دینی به معنای متعارف آن نبود... با این همه نفس کثرت ادیان خود دلالت بر نسبت آنان دارد؛ به‌ویژه اگر انسان به حقیقت ادیان دیگر غیر از دین خود نیز اعتقاد داشته باشد. البته ممکن است این پرسش

مطرح شود که اگر هر دینی ادعای حقانیت مطلق دارد چگونه می‌توان کثرت مطلق‌ها را پذیرفت؟ امری که از نظر مابعدالطبیعه پرسشی باطل است ... [چراکه] مطلق ضرورتاً واحد است ... مطلق در مفهوم اعلای آن متعالی‌تر از تمام اشکال تجلی خود در محدوده هر دین خاص است (نصر، ۱۳۹۳: ۶۰).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، دکتر نصر در اینجا برای فرار از نسبی‌گرایی مطلق را بازتعریف کرده و آن را به مطلق نسبی و حقیقی تقسیم نموده است؛ به‌گونه‌ای که آموزه‌های هر دین را مطلق نسبی فرض نموده و خارج از بحث تجلیات که از دیدگاه وی هر دینی نحوه خاصی از تجلی خداوند است مطلق را به‌صورت حقیقی فرض نموده است.

وحدت درونی ادیان از دیگر مبانی محوری بحث وحدت متعالی ادیان است، که در تبیین این دیدگاه از جانب دکتر نصر بسیار از آن یاد شده است. وی در توضیح این مبنا می‌گوید:

وحدت متعالی ادیان هم متعالی است و هم درونی؛ به این معنا که ما معتقدیم که ادیان الهی وحدت درونی دارند که هم متعالی از صور ظاهری آن‌ها و هم درون آن صور ظاهری است؛ نه اینکه در شکل برونی و به نحو صوری با هم اشتراک داشته باشند ... ما معتقدیم که صور ظاهری ادیان نیز مانند محتوای درونی آن‌ها از جانب حق نازل شده است ... (زارع، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

ملاحظه می‌گردد که دکتر نصر با تفکیک ظاهر و باطن ادیان عامل کثرت ادیان را صور آن ادیان می‌داند و معتقد است تمامی ادیان در باطن خود دارای اتحادند. مشابه این بحث را در کثرت‌گرایی دینی نیز می‌بینیم. معتقدان به کثرت‌گرایی بین گوهر یعنی همان باطن دین و صدف که همان ظاهر دین است تمایز قائل شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که مبانی همچون قرب به خدا و آموزه‌های اخلاقی را گوهر دین پنداشته‌اند و مباحثی همچون تفسیر گزاره‌های دین را جزو صدف دین دانسته‌اند؛ از این رو تفاوتی بین دیدگاه معتقدان به کثرت‌گرایی و مبنای وحدت درونی ادیان دکتر نصر نمی‌توان یافت (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

بعد از بیان دو رکن از ارکان نظریه وحدت متعالیه ادیان حال نوبت تبیین مهم‌ترین مبنای این دیدگاه، یعنی وحدت باطنی و کثرت ظاهری ادیان، است. سید حسین نصر در کتاب دین و نظام طبیعت در این باب می‌نویسد:

ذات مطلق احدیت در ادیان مختلف به یک صورت متجلی نمی‌شود؛ حقیقت کل در کیهان ادیان مختلف زمانی به شکل اسطوره‌ای و زمانی به صورت یکتاپرستی مجرد تجلی می‌کند؛ گاه اسماء و صفاتش را به اصوات و اشکال یک زبان قدسی تجلی می‌بخشد و زمانی دیگر به‌صورت ارباب انواع مقدسی که مظهر نیروهای الهی‌اند تجلی می‌کند.

می‌بینیم که به اعتقاد دکتر نصر تمامی ادیان آسمانی به‌صورت تجلیات کلمه اعظم‌اند و در باطن

همه نیل به سوی حق دارند و از این جهت تفاوتی برای آنان نمی‌توان متصور بود. وی بسیار سعی دارد به دیدگاه خود رنگ و بویی عرفانی دهد. لازمه این دیدگاه این است که تمامی انبیا در یک مرتبه وجودی باشند و بر یکدیگر برتری نداشته باشند؛ از این رو مباحث خاتمیت که یکی از مباحث مهم عرفان نظری است محلی از اعراب نخواهد داشت.

۵. وجه تشابه و تمایز بین دیدگاه وحدت متعالی ادیان و کثرت‌گرایی دینی

به طور کلی شباهت دیدگاه وحدت متعالی ادیان با دیدگاه کثرت‌گرایی دینی در جنبه‌های معرفت‌شناختی آن خلاصه می‌گردد. هر دو دیدگاه به نسبیت‌گرایی می‌رسند و تفاوت‌های آن‌ها در بحث سعادت‌مندی ادیان است. در دیدگاه وحدت متعالی ادیان، تنها ادیان الهی به سعادت می‌رسند، اما در کثرت‌گرایی حتی ادیان غیرالهی نیز در نهایت سعادت‌مند می‌شوند. دکتر نصر و جان هیک از بزرگان دیدگاه کثرت‌گرایی دینی در مصاحبه‌ای حضور داشتند و دکتر نصر در ضمن مصاحبه اذعان می‌کند که کثرت‌گرایی و وحدت متعالی ادیان به نتایج یکسانی می‌رسند:

... اما در حقیقت با شما [هیک] در یک نکته هم‌داستانم و آن اینکه حس مطلقیتی که هر دین در درون خود احساس می‌کند که از نظر تاریخی هر دینی را به این سوق داده است که مدتی باشد که تنها دین برحق است؛ باید در پرتو آموزه‌ای که من از یک نظرگاه دیگر بیان کرده‌اید، جرح و تعدیل شود؛ یعنی اینکه ذات مطلق همیشه مطلق است ... (عدنان، ۱۳۷۶: ۷۱).

در تبیین این دیدگاه نصر باید به تشابه جالب استدلال‌های وی با افراد شناخته‌شده جریان کثرت‌گرایی دینی همچون عبدالکریم سروش اشاره نمود. سروش برای توجیه نسبیت فهم در بین قائلین ادیان به ناممکن بودن در عذاب بودن اکثریت انسان‌ها اشاره دارد و به این لحاظ سعی می‌کند ناموجه نبودن دنباله‌روی بی‌چون و چرا در هر آیین را توجیه کند. او در کتاب صراط‌های مستقیم در استدلال ششم از استدلال‌های ده‌گانه خود می‌گوید:

چگونه ممکن است که در بین میلیاردها انسان فقط اقلیت شیعه سعادت‌مند باشند و سایرین کافر باشند یا بنا به اعتقاد یهود فقط یهود هدایت شده باشد و سایرین این گونه نباشند ... آیا در آمدن عیسی (ع) ... فقط برای این بود که جمع عظیمی مشرک شده و آیین تثلیث برگیرند و از هدایت به دور شوند؟ و کتاب و کلام و پیامش بلافاصله تحریف گردد؟ (سروش، ۱۳۸۷: ۳۳).

عیناً همین مطلب را با طرز بیانی متفاوت در گفتار سید حسین نصر قابل مشاهده است چنان‌که در

این بار می‌گوید:

... اگر این مطلب [دیدگاه مسیحیان در مورد حضرت عیسی (ع)] صرفاً یک خلط و التباس

بوده است؛ چگونه خداوند علی‌رغم حکمت و عدالت بی‌کران خود اجازه می‌دهد که یکی از ادیان عمده جهان که میلیون‌ها نفر از مردم رستگاری خویش را در آن جست‌وجو کرده‌اند به مدت دو هزار سال در گمراهی و ضلالت بوده باشند؟! آیا این مطلب صرفاً خلط و التباس است؟! (عدنان، ۱۳۷۶: ۷۳).

چنان‌که ملاحظه می‌شود نزدیکی و تشابه این دو دیدگاه انکارناپذیر است؛ علاوه بر اینکه در کتاب صراط‌های مستقیم نیز دکتر سروش برای اعتبار بخشیدن به استدلال‌های خود به آموزه‌های عرفان نظری از جمله اسم هادی و همچنین اشعاری از مولوی استناد می‌کند و از این جهت نیز نزدیکی این دو دیدگاه نیز آشکار است.

اختلاف این دو دیدگاه سعادت‌مندی ادیان الهی و غیرالهی است. در نظریه وحدت متعالی ادیان تنها ادیان الهی که در تقسیم‌بندی دکتر نصر الهی شمرده می‌شوند از جمله اسلام و مسیحیت، بودائیت و ... سعادت‌مند می‌شوند، اما در نظریه کثرت‌گرایی دینی حتی ادیان دست‌ساز بشر نیز سعادت‌مند می‌شوند. نصر در آثار خود بیان داشته است که در نگاه وحدت متعالی ادیان فقط ادیان آسمانی مدنظر است و ادیان ساخته دست بشر هیچ جایگاهی در این نوع از تفکر ندارند (زارع، ۱۳۹۳: ۱۰۵). با این همه، این به این معنا نیست که ادیان حق از دیدگاه نصر ادیان ابراهیمی‌اند؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد در منظومه فکری دکتر سید حسین نصر، ادیانی که به نظر دست‌ساز بشرند از جمله آیین بودا و هندو و کنفوسیوس نیز آسمانی به حساب می‌آیند (نصر، ۱۳۸۶: ۳۱). وی برای اینکه آیین بودایی را آسمانی و الهی معرفی کند شباهت‌هایی را بین اسلام و عرفان اسلامی با آیین بودا برمی‌شمارد: «اتفاقاً آیین بودا از یک جهت خیلی شبیه به اسلام و عرفان ماست، منتها بدون خصوصیات آن حقیقت» (همان: ۳۲).

۶. ارزیابی دیدگاه حکمت متعالی ادیان از منظر عرفانی، معرفت‌شناختی و دینی
بعد از تبیین دیدگاه نصر، نوبت به ارزیابی این دیدگاه از منظر آموزه‌های عرفان نظری، معرفت‌شناختی و درون‌دینی می‌رسد.

۶-۱. از منظر عرفانی

نصر برای تأیید دیدگاه خود بر جنبه‌های عرفانی تأکید ورزیده و شاخصه بحث خود را بر مبنای مضامین عرفان نظری استوار ساخته است، اما مبانی عرفان نظری تا حدود زیادی با دیدگاه نصر منطبق نیستند و این به دلیل ادعای نصر است که معتقد است ادیان آسمانی همگی باطنی دارند که به حقیقت مطلق ختم می‌گردد و با این بیان می‌توان نتیجه گرفت که تمامی انبیا در یک مرتبه از مراتب وجودی قرار دارند! این بیان دکتر نصر و نتیجه‌ای که از آن به دست می‌آید به کلی در تضاد با آموزه‌های عرفان

نظریه «وحدت متعالی ادیان» از منظر عرفانی، معرفت‌شناختی و دینی **۳۱**

نظری است؛ چراکه در آموزه‌های عرفان نظری، بالاترین مرتبه عالم در قوس صعود را فقط نبی مکرم اسلام پیموده است و سایر انبیا پیرو آن حضرت و در مرتبه وجودی پایین‌تر از ایشان قرار دارند؛ چنان‌که ابن عربی در فصوص در این باره می‌نویسد: «و هیچ یک از اولیا او را نمی‌بینند مگر از مشکات ولی خاتم؛ حتی اگر رسولان حق او را ببینند از مشکات خاتم‌الاولیاست... پس رسولان از آن حیثی که ولی هستند حق را جز از مشکات خاتم‌الاولیا نمی‌بینند...» (ابن عربی، ۱۹۴۶م: ۶۲).

ملاحظه می‌کنید که همه حتی انبیا برای سعادت و رسیدن به حق باید از طریق نبی خاتم صلی الله علیه و آله اقدام نمایند در غیر این صورت سعادت در کار نخواهد بود و این دیدگاه با سخن دکتر نصر مبنی بر سعادت تمامی ادیان سازگار نیست؛ چراکه با وجود خاتم‌الانبیا سایر ادیان نسخ شده‌اند و جایگاهی برای سعادت در آنان نمی‌توان مترتب شد.

علاوه بر این مطلب، یکی از مباحث مهم در عرفان نظری بحث خاتمیت است. بر مبنای خاتمیت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دستیابی به فتح مطلق، خود را به آخرین نقطه سیر و سلوک رسانده و به تعیین اول رسیده است و با این ختم و وصول است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برتری وجودی خود را بر تمام انسان‌ها ابلاغ داشته است (فضلی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). با توجه به این مباحث دیدگاه دکتر نصر در مورد اینکه همه ادیان ما را به سوی حق هدایت می‌کنند، نمی‌تواند درست باشد.

۶-۲. از منظر معرفت‌شناختی

دکتر نصر سعی دارد با افزودن قید ادیان آسمانی دیدگاه وحدت متعالی ادیان را دیدگاهی متمایز از کثرت‌گرایی معرفی کند، اما به چند دلیل در این امر ناموفق است: نخست آنکه ادیانی از جمله بودیسم و هندویسم را که با توجه به آموزه‌های متناقض آنان با ادیان ابراهیمی در آسمانی بودن آن‌ها شک است، جزو ادیان آسمانی پنداشته و باطن آن‌ها را مانند ادیان توحیدی فرض کرده است، اما با یک تحقیق و تدبر می‌توان به توحیدی و آسمانی نبودن برخی از این ادیان حکم کرد؛ برای مثال دین هندو دارای خدایان بسیار است و سنخیت این آموزه‌ها با آموزه‌های اسلام که بر واحد بودن الله تأکید دارد جای سؤال دارد؛ دوم آنکه ایشان تلاش بسیار دارد که باطن ادیان توحیدی را یکی بداند و التزام به این امر را تنها از طریق شهود می‌داند؛ در حالی که چنان‌که در منابع عرفانی نیز به آن اشاره شده است هر کشف و شهودی حجت نیست و بسیاری از مکاشفات عرفانی زائیده خواطر شیطان است و بر این اساس است که عارفان بایستی شهود خود را برای تمییز میان کشف متصل با منفصل به قرآن و عقل عرضه کنند تا در صورت هماهنگی آن را بپذیرند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۳۰)؛ لذا شهود با شرایطی که ذکر شد دارای حجت است و دیگر اینکه اگر پذیرفتیم که شهود از سنخ علم حضوری است محدوده

حجیت آن فقط برای شخص شهودکننده حجت است و برای ارائه یک نظریه کلی قطعاً نیاز است که با عقل و نقل سنجیده شود و بر این اساس امکان ندارد گزاره تثلیث را همان گزاره توحید از لحاظ حقیقت باطنی دین دانست.

نکته دیگر که باعث گرفتاری سنت‌گرایان علی‌الخصوص دکتر نصر به محذور نسبت شده است بحث مطلق است؛ چراکه حیثیت بخشیدن به مطلق و اینکه بگوییم مسیحیت برای مسیحیان مطلق و رأی ادیان دیگر نسبی است، در واقع نسبی‌سازی خود مطلق است. این دیدگاه مانند کثرت‌گرایی با تفکیک ظاهر از باطن در راه نسبیت گام برمی‌دارد و این از مشخصه‌های فلسفه مدرن در غرب است؛ (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). البته نصر برای دوری از این محذور این‌گونه دست به توجیه می‌زند:

... اگر هر دینی ادعای حقانیت مطلق دارد چگونه می‌توان کثرت‌های مطلق را پذیرفت؟! [این] امر از نظر مابعدالطبیعه پرسشی باطل است؛ چراکه کثرت همان گونه که از تعریف آن برمی‌آید متضمن نسبت است. مطلق ضرورتاً واحد و چنان‌که علمای ماوراءالطبیعه طی قرون و عصار مکرراً تکرار کرده‌اند یگانه واحد است (نصر، ۱۳۹۳: ۲۷).

اما این پاسخ محذور فوق را برطرف نمی‌کند؛ زیرا شناخت ما از مابعدالطبیعه به وسیله عقل است و ما به وسیله عقل و یقینیات و بدیهیات است که پی به نفی شریک از خداوند یا قاعده الواحد می‌بریم و بدون آن شناخت عالم هستی ممکن نیست و اینکه دکتر نصر پرسش از یقینیات و بدیهیات در ماوراءطبیعه را خطا می‌داند، در واقع اذعان وی به نسبیت در شناخت است.

نقد دیگری که از جنبه معرفت‌شناسانه می‌توان بر دیدگاه دکتر نصر وارد نمود این است که وی تلاش دارد دیدگاه خود را بر مبنای آموزه‌های حکمت متعالیه تبیین نماید، اما چنان‌که اشاره شد دیدگاه وی دقیقاً با نسبیت‌گرایی منطبق است، در حالی که با جست‌وجو در آثار ملا صدرا دیدگاه برگزیده وی در باب معرفت با نسبی‌گرایی در تضاد است؛ چراکه ملا صدرا تئوری مطابقت را تئوری برگزیده در بحث صدق می‌داند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸: ۱/۸۹). براساس این دیدگاه، ادراکی حق است که با واقع مطابقت داشته باشد و در غیر این صورت فاقد اعتبار است؛ از این رو در نظام معرفتی صدرالمتألهین مانند ایدئالیسم و نسبی‌گرایی که دیدگاه وحدت متعالیه ادیان بخشی از آن است، واقعیت‌های متفاوت نداریم، بلکه واقعیت یک چیز است و حق هم همان یک چیز است، نه غیر از آن.

۳-۶. از منظر دینی

محذور دیگری که این دیدگاه با آن مواجه است تعارض آن با گزاره‌های قطعی ادیان از جمله دین اسلام است. این دیدگاه با مبانی اسلام و نص قرآن مبنی بر اکمال دین و اتمام نعمت و همچنین با مسئله



نظریه «وحدت متعالی ادیان» از منظر عرفانی، معرفت‌شناختی و دینی

خاتمیت سازگاری ندارد؛ چراکه اعتقاد به خاتمیت مستلزم پذیرش جامعیت دین نبی خاتم صلی الله علیه و آله است. مضافاً اینکه خداوند سبحان در قرآن همه انسان‌ها را مخاطب خود قرار می‌دهد، مانند آیه ۳۳ سوره انعام: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». حال با توجه به این آیه و آیات مشابه چگونه می‌توان به حقانیت ادیان تحریف‌شده شرقی و غربی اعتراف کرد؟! بر این اساس نه تنها کثرت‌گرایی با آموزه‌های قرآن ناسازگار است، بلکه نظریه سنت‌گرایی نیز با رویکرد پیش‌گفته باید تمام تفاوت‌های اجتماعی را تجلیات خدا بداند که در این صورت چیزی جز عقب‌ماندگی جوامع به ارمان نخواهد آورد (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۳۶)؛ چراکه در این صورت بایستی روا باشد که دینی همچون مسیحیت قرن‌ها در آموزه نادرستی همچون تحریف در جهالت بماند، اما چون از تجلیات خداوند است نبایستی به آن اعتراض نمود؛ امری که عقل و نقل به‌صراحت آن را مردود می‌داند. علاوه بر گزاره‌های دینی که در آموزه‌های اسلام دلالت بر انحصار اسلام در سعادت‌مندی دارد، از این سنخ گزاره‌ها در سایر ادیان از جمله مسیحیت نیز می‌توان دید؛ برای مثال در دیدگاه مسیحیت، عیسی نجات‌دهنده است (هیگ، ۱۳۹۰: ۲۴۷). پس هر دینی برای خود در رستگاری انحصار قائل است و این گزاره‌ها به‌خوبی ناکارآمدی دیدگاه وحدت متعالیه ادیان را نشان می‌دهد.

۷. نتیجه

سید حسین نصر با توجه به مطالعات خود در حکمت متعالیه و عرفان نظری کوشیده بحث سنت‌گرایی را تبیین کند، اما مشخصاً در هیچ یک از ادعاهای خود برهانی قاطع بیان نمی‌کند و دیدگاه او صرفاً قرائتی دیگر از بحث کثرت‌گرایی با مقداری تفاوت در شیوه نگرش است و تمامی اشکالات معرفتی که در نظریه کثرت‌گرایی دینی مطرح است، عیناً در دیدگاه وحدت متعالی ادیان نیز مطرح است؛ لذا با یک دید دقیق می‌توان گفت این دیدگاه بر هیچ پایه و اساس معرفتی استوار نشده است و تنها ترویج نسبی‌انگاری معرفتی است که در فلسفه امروز غرب رایج است. مضافاً اینکه چنانچه اشاره شد، این دیدگاه هیچ‌گونه سازگاری با رنالیسم معرفتی صدرایی نیز ندارد و بنیان‌های معرفتی آن کاملاً با دیدگاه صدرالمتألهین در تضاد است. علاوه بر آن، دیدگاه دکتر نصر در تعارض با آموزه‌های عرفان نظری است و با آموزه‌های عرفان هیچ تطابقی ندارد. یکی از پیامدهای مهم اعتقاد به این دیدگاه عدم معرفت به حقیقت یقینی است که در این صورت، هیچ گزاره دینی قابل ارزیابی نخواهد بود و این امر می‌تواند مشکلات بسیاری را در دنیای معرفت به وجود آورد.

۱. ابن عربی (۱۹۴۶م)، فصوص الحکم، قاهره: دار الاحیاء کتب العربیه.
۲. اکبریان، رضا و علیرضا جلالی (۱۳۸۷)، «بررسی و نقد دیدگاه سنت‌گرایان درباره وحدت ادیان»، اندیشه نوین دینی، ش ۱۲: ۱۳-۶۶.
۳. حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۶)، معرفت، چیستی، امکان، عقلانیت، قم: مؤسسه امام خمینی.
۴. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴)، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم: معارف.
۵. _____ (۱۳۹۷)، کلام جدید با رویکرد اسلامی، قم: معارف.
۶. زارع، حامد (۱۳۹۳)، آفاق حکمت در سپهر سنت؛ گفت‌وگوی حامد زارع با سید حسین نصر، تهران: ققنوس.
۷. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۷)، صراط‌های مستقیم، تهران: صراط.
۸. صدرالمতلهین (۱۳۶۸)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم: مصطفوی.
۹. عدنان، اصلان (۱۳۷۶)، «ادیان و مفهوم ذات غایی»، معرفت، ش ۲۳: ۷۰-۷۹.
۱۰. فضل‌ی، علی (۱۳۹۰)، هستی‌شناسی عرفانی از دیدگاه میرزاهاشم اشکوری، قم: ادیان.
۱۱. محمدرضایی، محمد (۱۳۹۰)، کلام جدید با رویکرد تطبیقی، قم: معارف.
۱۲. مهدوی، منصور و علی کرباسی‌زاده (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی وحدت متعالی ادیان در گفتمان سنت‌گرایی»، معرفت ادیان، ش ۹: ۱۱۳-۱۳۴.
۱۳. نصر، سید حسین (۱۳۸۶)، «سنت؛ عقلانیت و دیانت در گفت‌وگو با دکتر نصر»، هفت آسمان، ش ۳۳: ۳۸-۱۷.
۱۴. _____ (۱۳۹۳)، دین و نظام طبیعت، تهران: حکمت.
۱۵. هومن، ستاره (۱۳۹۶)، «سنت‌گرایی»، دانشنامه جهان اسلام، ش ۲۴: ۷۰۶-۷۱۲.
۱۶. هیک، جان (۱۳۹۰)، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.